

جنگ آلمان و شوروی

خوبست باردیکر گفته . کلوزویتس ، راجع به « نقطه اوج پیروزی را ، مورد مطالعه قراردهیم . بر اثر عدم توجه به حقیقت گفته های او بود که ، لودندرف ، در سال ۱۹۱۸ با عدم موفقیت مواجه گشت . او میگوید :

« بطور کلی پیروزی در نتیجه تفوق مجموع منابع مادی و معنوی بوجود ، می آید و پیروزی خود بخود با افزایش این مجموعه کمک میکند در غیر این صورت ، هیچ فرماندهی راضی نخواهد شد که پیروزی را با یکچنین بهای گزافی ، خریداری نماید . نتایج پیروزی از طرف دیگر بر ارزش آن میافزاید . لکن این ، افزایش ها الهی غیرالهامیه صورت نمیگیرند و فقط تانقتهای بعمل می آید که ، « آفراد نقطه اوج پیروزی ، میمانند . در طول جنگ نیروی نظامی همیشه با ، عوامل چندی برخورد مینماید که برخی از این عوامل عمد و برخی مانع پیشرفت ، آن میگرددند . بنابراین جریان جنگ بستگی با اهمیت نسبی این عوامل ، دارد و چون هر مانعی که از سرعت پیروزی بکاهد مساویست با افزایش نیروی ، دشمن بنابراین میتوان تصور نمود که همیشه در جریان وجود دارد که یکی ، بسود و دیگری بزیران طرف فاتح است . این موضوع نه تنها در پیشروی بلکه ، در عقب نشینی هم صدق میکنند .

نظریه فوق در جنگ های امروزی کاملاً وارد است با این تفاوت که در جنگهای مزبور ارزش فنی ادوات جنگی بحدی زیاد است که فقدان یا وجود و استعمال بجا یا بیجای آنها میتواند اثر قاطع در سرنوشت یکی از طرفین داشته باشد در این موقیع است که ، جریان ، « کلوزویتس ، شکل طغیان بخود میگیرد . از اینرو در دست داشتن ادوات و مهمات جنگی بمقدار زیاد بینهایت اهمیت دارد و بهمین دلیل است که ناوگان حامل آلات و مهمات جنگی باید هرچه بیشتر برای کشور روسیه فرستاده شود .

چون بحمل ادوات جنگی برای روسیه از راه اقیانوس منجمد شمالی اشاره نمودیم خوبست مختصری هم راجع به نبرد در این منطقه که بعلت سرمای فوق‌العاده آن عملیات نظامی منحصر بفعالیت اسکی بازان بود سخن رانیم . باوجود این در انتهای شمالی فروژ بین « نارویک » و « کرکنس »^(۱) ، پیکار بین آلمانیها و ملل متفق همیشه برقرار بود زیرا از طرفی آلمانیها « کرکنس » را ایستگاه بزرگ دریائی و فرودگاهی برای حمله بکشتیههای عازم روسیه قرار داده بودند و از طرف دیگر نیروی هوائی شوروی برای حمله بایستگاههای آلمانی و محافظت از کشتیهای اعزامی در آخرین مرحله مسافرت کوشش فوق‌العاده مینمودند کما اینکه در اواخر ماه مارس ۱۹۴۲ روسها موفق شدند فرودگاه « هوکبوتن »^(۲) ، را بوسیله ۲۵ هواپیمای عمودرو مورد حمله قرار دهند و خسارات زیادی بآلمانیها وارد آورند . بعلاوه نخستکی فنلاندیها و نفرات اتزیشی ژنرال دیتل^(۳) ، موجب آن شد که از خطر تهدید نسبت بمواضع روسها در منطقه « بن » ، « لینن گراد » ، و « مورمانسک » ، کاسته شود . وضع نیروی دریائی « بالتیک » ، روسیه هم از ماه مه ببعد رفته رفته رو به بهبودی نهاد بطوری که در نیمه دوم سال موجب مزاحمت آلمانیها گردید .

۱-۴ - جنگ تابستانی آلمان

نقشه جنگی آلمان که آخر ماه ژوئن ۱۹۴۱ بموقع اجرا گذارده شد بانقشه جنگی سال ۱۹۴۱ این کشور فوق‌العاده اختلاف داشت . در سال ۱۹۴۲ هدف آلمانیها انهدام روسیه بود و چون از عملیات سال ۱۹۴۱ تجربیات زیادی اندوخته بودند لذا منظورهای سیاسی را کنار گذارده و نقشه خود را بر اساس اصول نظامی قرار دادند . بموجب نقشه جدید حمله آلمان شامل منطقه محدودتر میگردد و طرز اجرای آن تغییر کامل یافته بود یعنی بجای آنکه در جبهه طویل از دریای « بالتیک » تا « دریای سیاه » ، بحمله پیردازند عرض نخستین مرحله عمل آنها بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ میل (یک دوازدهم جبهه پهنای آلمان در سال ۱۹۴۱) بود . بااین وصف آلمانیها در این منطقه ۲,۵۰۰,۰۰۰ نفر که هرگاه نیروی تقویتی مربوط را به آن بیافزائیم از این رقم تجاوز

۱ - Kirkenes

۳ - Dietl

۲ - Højbuten

خواهد کرد تمرکز داده بودند. این تعداد شامل کلیه واحدهای هوایی و تقریباً نصف نیروئی بود که آلمان در سال ۱۹۳۹ با آن به خاک شوروی حمله نمود. فرماندهی کل به فیلد مارشال و فن بوک (۱) که در سال قبل از آن در اشغال و مسکو، موفقیت حاصل ننموده بود محول گردید.

بطور قطع آلمانیها امیدوار بودند که بوسیله شدت حمله اولیه و طول مدت آن مقاومت روسها را در هم شکنند و بدین ترتیب فرماندهی کل ارتش سرخ را فلج سازند. یادداشتن این منظور این توده ای که از تعداد زیاد نفرات و ادوات جنگی تشکیل میشد در عمق زیادی در جبهه کورسک - و خارکف، متمرکز شده بود.

وظیفه حمله شدید بمهده لشکر موتوریزه و مکانیزه که باتوپهای ضد هوایی و ضد ارابه کاملاً مجهز شده بودند و گذار شده بود. آلمانیها مهمات و نیازمندیهای توپخانه را در سراسر جبهه با اندازه کافی تهیه نموده و نمونه ای از آنها در محاصره سواستوپول، بمعرض نمایش گذارده بودند. در هوا علاوه بر سپاه مشهور هوایی ریستوفن (۲)، یک گروه از پنج گروه هوایی آلمان بشرکت در این حمله اختصاص داده شده بود.

بیشتر از لحاظ استعمال تاکتیکی واحدهای زرهی و هوایی بود که آلمانی ها در روش جنگی خود تغییرات قابل توجهی داده بودند و چون حمله جدید آلمان بستگی بلهوش تغییرات داشت لازمست بچگونگی آن مختصر اشاره ای بنمائیم.

در فصول گذشته شرح داده شد که آلمانیها چگونه طرز استعمال لشکر های زرهی را در میدان جنگ تغییر داده بودند. در مراحل اولیه تهاجم بخاک روسیه یعنی در تابستان سال ۱۹۴۱ آلمانیها ابتداء لشکرهای زرهی و بلافاصله بعد لشکرهای موتوریزه را بجلو اعزام میداشتند تا در خط دفاعی دشمن بعمق ۱۰۰ تا ۳۰۰ میل پیشروی کنند و سپس بچپ یا بر راست تغییر سمت دهند و قسمتی از نیروی مدافع را از سایر قسمت های جبهه مجزی سازند. موقعیکه بدین ترتیب قسمتی از جبهه نیروی مدافع از سایر قسمتها مجزی میشد نیروهای کندتری آنها بقطعات کوچکتر تقسیم و وادار بتسلیم میکردند. در مرحله بعد واحدهای

زرهی در فواصل تنگتری بحمله میپرداختند و بیش از ۲۵ تا ۵۰ میل در داخل خط دفاعی دشمن پیشروی نمینمودند. این بار وظیفه آنها این بود که در جبهه‌ای که بوسیله نفرات بیشتری دفاع میشد شکافهای مختصری ایجاد نمایند و انتظار داشتند که با این طرز حمله روحیه مدافعین را متزلزل و آنها را وادار به تسلیم نمایند. در مرحله اخیر یعنی در آخرین حمله بمسکو آلمانیها ارابه‌های جنگی را تقریباً به‌شماره ۱۹۱۷ یعنی بطور گروهی و توأم با پیاده نظام مورد استعمال قرار دادند.

در این موقع تاکتیک جدیدی را جمع بحمله نیروی زرهی ایجاد کردید. ابداع این تاکتیک را آلمانیها بفلد مارشال رومل،^(۱) نسبت میدادند و مدعی بودند که بر اثر تجربیات او در جنگهای «لیبی» وجود آمده است. در این نوع حمله ارابه‌ها بشکل یک توده عظیم و با سایر ادوات جنگی مورد استعمال قرار میگردفتند. ارابه‌ها و توپهای ضد ارابه دورا دور و قسمت خارجی این توده را احاطه نموده و در قسمت داخلی آن پیاده نظام که بوسیله کامیون حمل میشد، توپهای ضد ارابه، واحدهای تعمیر و کلیه لوازمی که مورد نیاز یک ارتش در حال جنگ میباشد قرار داشت. در قسمت جلو پرده‌ای از ارابه‌های سبک، توپهای ضد ارابه و ضد هواپیما و واحدهای قوی مهندس تشکیل میشد. این توده دارای سرعت کافی و قادر بعمل مستقل بود و پس از دریافت دستور در مدت کوتاهی میتواند بجنب یا بر است حرکت کند. منظور اصلی آلمانیها از این آرایش ایجاد واحدهائی با قدرت آتش و سرعت فوق‌العاده بود که بوسیله یک نیروی زرهی قوی پوشیده شده باشند.

در هوا هم آلمانیها اغلب واحدهای «لوفت و افه»^(۲) را در مدت زمستان و بهار تغییر کلی داده بودند. اگرچه هواپیماهای جدیدی وارد میدان کارزار میشد با اینوصف از اختراعات جدید و شکفت آوری حکایت نمیکرد. تنها «سر اشمیت» های ۱۰۹ اندکی بهتر شده و «فوکه وولف»^(۳) های ۱۹۰ که نوعی از هواپیماهای شکاری بمب‌انداز و عمود رو بودند برای اولین بار وارد میدان جنگ شدند. هenschel^(۴) ۱۲۹، تقلید خوب و کاملی از «ستور موویک»^(۵) های روسی

۱ - Rommel

۲ - Luftwaffe

۳ - Focke-Wulf

۴ - Henschel

۵ - Stormovik

بود. همچنین یکتووع جدید از ه فو که وولف، های ۲۰۰ بمنظور حمل و نقل نیرو و نفرات جانشین و یونکرس، (۱) های ۵۲ گردیده بود و دور فیه (۲)، های ۲۱۷ مانند سابق برای بمباران شبانه بجای و یونکرس، های ۸۸ مورد استعمال قرار می گرفتند.

باید در نظر داشت که بیشتر از نقطه نظر سازمان و اداره صحیح و لوفت و افه، های آلمان بود که نیروی هوایی این کشور در تابستان سال ۱۹۴۲ سهمگین جلوه میگرد نه از لحاظ مدلهای جدید هواپیما. آلمانیها بمنظور همکاری نزدیک با نیروی زمینی گروههای حمله ای از هواپیماها تشکیل میدادند که وظیفه آنها اجرای کلیه مأموریتهایی بود که توپخانه معمولی از عهده اجرای آن بر نمی آمد. وظیفه اصلی نیروی هوایی تأمین پیشروی پیوسته نیروی زمینی و پشتیبانی از آن بود. موفقیت گروههای هوایی بسه عامل اصلی مهم بستگی داشت:

- ۱- رسانیدن نیروی تقویتی بجهت بطور مداوم. این عمل فقط در نتیجه کنترل سریع و مطمئن کلیه هواپیماها در زمین و در هوا ممکن بود.
- ۲- رسانیدن ذخیره، هواپیماها و مهمات از عقب جبهه بقسمت جلو بطور مداوم
- ۳- در دست داشتن فرودگاه بحد و فور.

آلمانیها عملاً نشان دادند که میتوانند بخوبی از عهده اجرای سه عمل مزبور بر آیند و اغلب اتفاق می افتاد که روسها در نتیجه سرعت عمل آلمانی ها و اینکه حریف میتواند در مدت زمان کوتاهی هر قدر نیروی هوایی که بخواهد در نقطه معینی تمرکز دهد بکلی مستأصل میشدند. فرودگاههایی که تصور میرفت بتوانند فقط دو یاسه گروه هوایی را در خود جای دهند در ظرف ۲۴ ساعت ممکن بود دارای گنجایش چندین برابر ظرفیت خود شوند و آلمانیها میتوانند در اسرع اوقات فرودگاههای جدید ایجاد نمایند. بطور کلی آلمانیها ثابت نمودند که در يك نقطه و موقع معین میتوانند نفوق هوایی و همچنین همکاری فزديك نیروی هوایی و زمینی را باسانی تأمین نمایند. همین که هواپیماهای آلمانی پرواز در میآمدند براندن هواپیماهای شوروی میپرداختند و چون از لحاظ تعداد بر آنها برتری داشتند میتوانند از عهده انجام این مأموریت بخوبی بر آیند

و وظیفه دیگر هواپیماها حمله بمراکز توپخانه ضد هوایی و ضد ارابه روسی بود و آخرین وظیفه آنها حمایت از هواپیماهای بمب افکن و عمودروی آلمانی بود. این حملات اغلب بدون فاصله و پی در پی اجرا میشد. در هر نقطه ای که سربازان آلمانی در وضع دشواری گرفتار و یا مجبور بمقرب نشینی میشدند کلیه هواپیماهای بمب افکن و عمودرو مأمور بمباران پیاده نظام شوروی میگرددیدند و این هواپیماها پس از فروریختن بمبها مأموریت داشتند نیروی دشمن را هدف آتش مسلسل قرار دهند.

جریان نخستین مرحله جنگ یعنی اولین نبرد بین «کورسک» و «خارکف» و دستیابی به «ورونژ»^(۱) از این قرار بود: پس از مختصر جنگ سخت ابتدائی در نزدیکی «خارکف» که از ۲۴ تا ۲۸ ژوئن بطول انجامید و در آن مدت روسها محل مهم تقاطع راه آهن «کویپانسک»^(۲) را از دست دادند آلمانیها حمله سخت خود را در ۲۸ ماه ژوئن ابتداء بر «کورسک» و جنوب آن و کمی بعد بر «خارکف» وارد آوردند. ابتدا روسها میتوانستند ادعا نمایند که حمله آلمانیها بمقرب رانده شده و با فقط با موفقیت کمی قرین گشته است. بعد در دو روز اول ماه ژوئیه نبرد سختی در ناحیه «کورسک» بوقوع پیوست. همچنین از منابع آلمانی اطلاع بدست آمد که يك پدیکار سخت در قسمت جنوبی «بیلگورود»^(۳) و «ولچانسک»^(۴) در جریان است و آلمانیها ادعا نمودند که جبهه روسها را در طول ۲۰ مایل شکافته اند. روز بعد یعنی سوم ژوئن آلمانیها ادعای روز قبل را تکرار و اظهار داشتند که بسوی خاور بطرف رودخانه دن مشغول پیشروی میباشند. در این موقع محقق بود که روسها در جبهه وسیعی عقب نشینی نموده و ارتش سرخ مواضع خود را در حوالی «کورسک» ترک گفته است. آلمانیها برودخانه دن رسیدند و اگر چه در پنجم ژوئیه طبق گزارش واصل جنگ سختی در حوالی «کورسک» و «بیلگورود» و «ولچانسک» ادامه داشت معینا محل تردید نبود که آلمانیها بموفقیت بزرگی نائل شده و روسها کاملا مشغول عقب نشینی بودند. با این وصف از اعلامیه های آلمانیها در عرض چند روز بعد آنقدرها بوی امید نمیآید و چون از منابع روسی اطلاعاتی در دست نیست لذا ناگزیریم در اینجا فقط بشرح اظهارات آلمانیها ابرازیم.

۱ - Voronezh

۳ - Byelgorod

۲ - Kupyansk

۴ - Volchansk

سواستوپل





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصلنامه علمی-پژوهشی در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
www.iaes.ac.ir

در ششم ژوئیه نبرد سخت در فاحیه باختری و ورونژ، و جنوب باختری و ستاری اسکول (۱)، ادامه داشت. آلمانیها همچنین ادعا کردند که حملات روسها در شمال ارل (۲)، و در اطراف در ژف (۳)، بعقب رانده شده است. ادعای اخیر آلمانیها بحقیقت مغرور بود زیرا روسها فقط برای منحرف ساختن توجه آلمانیها از ورونژ، باین حملات اقدام نموده بودند. در این موقع ورونژ، نقطه حساس و مهم جنگ را تشکیل میداد. روز بعد آلمانیها اظهار داشتند که شکاف ایجاد شده مابین کورسک، و خارکف، در جهت جنوب وسیعتر شده و همچنین حملات در حوالی ارل، و در ژف، با عدم موفقیت مواجه گشته است. در هشتم ژوئیه روسها اعلامیه‌ای صادر کرده و اظهار داشتند که جنگ سختی در باختری و ورونژ، در جریان میباشد. آلمانیها هم ادعای خود را راجع به درهم شکستن خطوط دفاعی روسها در باختری و در ژف، در جبهه‌ای بعرض ۳۰۰ میل تکرار نمودند.

در حقیقت نبرد سخت و وحشی در نزدیکی ورونژ، توسعه یافته بود و این نبرد بیش از سه هفته بطول انجامید که در ظرف آن سختترین و خونین‌ترین نیکار دوره جنگ بوجود بیوست. بنظر آلمانیها تصرف ورونژ، سرافش جنگ تابستانی آلمانیها را تعیین مینمود در حالیکه روسها در کمال یأس و نریمیدی در نیکاهداری ورونژ، میکوشیدند آلمانیها نیز بهر قیمتی شده برای تصرف آن بپارزه نمایند و در مقابل ورونژ، با وجود نبرد های سخت سرانجام موفق بیایداری گردید. حاصل نبرد شوروی آلمانیها را در ماه ژوئیه میتوان بحرکت در بزرگی تشبیه نمود که روی یاشنه ورونژ، در حرکت باشد و اولاهای آن با وجود فشارهای سخت و مداوم مقاومت کند. وضع ورونژ، و اهمیت آن در سیستم دفاعی روسها موقعی بهتر درک میگردد که با سقوط و سدان، در جنگ فرانسه در سال ۱۹۴۰ مقایسه شود. لکن در این مقایسه نباید زیاد طریق افراط بيمود.

شرح جزئیات جنگ در مدت سه هفته بعد نه ممکن و نه ضروری است.

۱ - Stary Oskol

۳ - Rzhnev

۲ - Orel

روسها در حالیکه مشغول مقاومت بودند معهذاعقب نشینی کرده و در طول رودخانه «دن» شهر هارا یکی پس از دیگری در اختیار آلمانیها میگذارند. در نهم ماه ژوئیه جنک به روسوش^(۱)، رسید و روز بعد گزارش واصله از پیکار در نزدیکی «کانتمیرووکا»^(۲)، در جهت «لیسی چانسک»^(۳)، حکایت میکرد. در اینموقع آلمانیها ادعا میکردند که زمین واقع بین رودخانه «دن» و شهرهای «کورسک» و «خارکف» را از وجود ارتش سرخ پاک نموده و موفق بگرفتن ۱۰۰۰۰ اسیر شده اند. در دوازدهم ماه آلمانیها خود را به نزدیکی «بگوچار»^(۴)، رسانیده و روسها «لیسی چانسک» و «کانتمیرووکا» را تخلیه نموده بودند. روز بعد روسها عقب نشینی بیشتری نموده از «لیسی چانسک» بخط دفاعی که قبلاً تهیه نموده بودند عقب رفتند. در روز پانزدهم ماه روسها «بگوچار» و «میلروو»^(۵) را تخلیه نمودند و آلمانیها ادعا میکردند که تعاقب ارتش سرخ ادامه دارد. این تعاقب در جهت قسمتهای جنوبی رودخانه «دن» در روز شانزدهم هم ادامه داشت و روز هفدهم نیروی آلمان در خاور «رستف» و رودخانه «دن» رسید. رسیدن آلمانیها در قسمت خاوری شهر و در یک جبهه وسیع بر اثر موفقیت حرکت دورانی بزرگی بود که بعداً بشرح آن خواهیم پرداخت. آلمانیها در همین موقع تصرف «وروشیلنگراد» را اعلام داشتند در حالیکه روسها از دست دادن آنرا ابتداء انکار ولی پس از دو روز اقرار نمودند. *تاریخ جنگ*

در این موقع مرکز عملیات آلمانیها «رستف» بود که بطور کلی مورد حملات سخت هرائی و از جهات شمال باختر و جنوب مورد حملات زمینی قرار گرفته بود. روز بیستم گزارش رسید که «رستف» در حال سوختن میباشد. پیشرفت ارتش آلمان در این موقع بستگی بتصرف «ورونژ» و «رستف» داشت. بدیهی است که هر گاه آلمانیها موفق بدرهم شکستن مقاومت یکی از این دو نقطه دفاعی نمیشدند مجبور بودند نیمدائره متشکله از رودخانه «دن» را از وجود سربازان سرخ پاک نمایند. در روز بیست و یکم آلمانیها ادعا نمودند که مقاومت

۱ - Rossosh

۴ - Bojoutchar

۲ - Kantemirovka

۵ - Millerovo

۳ - Lisichanck

روسها در منطقه «رستف» درهم شکسته است لکن در روز بیست و دوم اعتراف نمودند که توانسته‌اند خود را بحوالی «رستف» برسانند. رسیدن ارتش آلمان بحوالی این شهر باتصرف و اشغال آن توأم نبود زیرا روسها برای آنکه کلیه نفرات بتوانند از شهر خارج شوند و بطرف جنوب خاوری بروند تا روز بیست و هفتم مشغول مقاومت بودند. ضمناً برای تصرف «نووچرکاسک»^(۱)، و «تسیملیانسکایا»^(۲) آلمانها کوشش مینمودند و جنگ رویهمرفته وضع نامرتبی بخود گرفته بود بدین ترتیب که آلمانها در بیست و ششم ماه اشغال «باتایسک»^(۳)، واقع در جنوب «رستف» را اعلام داشته و ادعا نمودند که در قسمت خاوری شهر پیشروی نموده‌اند و در عین حال در شمال باختری «کالاش»^(۴)، واقع در خاوری ترین نقطه پیچ رودخانه «دن» مشغول نبرد بودند و در سه روز آخر ماه گزارش میدادند که عبور و مرور در رودخانه «ولگا» تحت بمباران سخت هوایی قرار گرفته است.

میتوان گفت که نخستین مرحله جنگ تابستانی آلمانها با تصرف «رستف» پایان رسید و پیکار برای تصرف پیچ رودخانه «دن» خاتمه یافت. در بزرگی که به «ورونژ» متکی بود بعقب و اندام شد و در حالیکه «رستف» با خاک یکسان شده بود اوضاع «ورونژ» هنوز پایداری میکرد. قبل از آنکه جریان نبرد را در روزهای بعد بررسی کنیم لازمست اندکی در خصوص اهمیت پیکار در مدت اینماه بحرانی بحث نمائیم.

۱ - Novocherkask

۲ - Tsymlyanskaya

Bataisk

۴ - Kalach

